

## محمدباقر کبیرصابر، سمیه صدیقی کیا باغ خلعت پوشان تبریز و کوشک میان آبی آن

دارالسلطنه تبریز در دوره قاجاریه در میان شهرهای ایران موقعیتی ممتاز داشت. این موقعیت تابع رابطه اوضاع سیاسی-اقتصادی ایران با جهان پیرامون بود، که به تبریز موقعیت سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای می‌بخشید. شکل گرفتن مهم‌ترین مرکز اقتصادی کشور در تبریز دوره قاجاریه، که تجلی کالبدی آن گسترش یافتن بازار این شهر تا حد بزرگ‌ترین بازار ایران بود، و نیز اقامت ولی‌عهدهای قاجار در این شهر و تمرین سلطنت در آن شواهدی بر این مدعاست. ولی‌عهدنشین شدن تبریز نشان اعتبار این شهر از دید دربار قاجار است؛ تا بدان‌جا که به تبریز عنوان «دارالسلطنه» دادند.

این دوره یکی از بهترین دوره‌های تاریخ تبریز از نظر آبادانی شهر است؛ و در همین دوره، تبریز و پیرامون آن را محملی از بوستانها و باغهای سرسبز پوشانیده بود. امتزاج انبوه درختان و باغها با عرصه کار و زندگی شهروندان، تبریز را به باغ‌شهری واقعی تبدیل کرده بود. از مطالعه متون کهن معلوم می‌شود که در دوره قاجاریه علاوه بر کثرت باغ در درون شهر، پیرامون آن نیز مملو از باغهای اشراف و متمولان بود. هریک از این باغها، بسته به ذوق و امکانات مالک آن، هنجار فضایی ویژه‌ای داشت. باغ خلعت پوشان یکی از این باغهای بیرون شهر و متعلق به دربار قاجار بود.

### ۱. محیط

#### ۱-۱. موقعیت باغ

باغ خلعت پوشان در حومه جنوب شرقی تبریز، بیرون از حصار شهر، قرار داشت. ناصرالدین شاه در روزنامه خاطرات سفر سوم فرنگستان فاصله این باغ تا شهر را یک فرسخ نوشته است.<sup>۱</sup>

نادر میرزای قاجار، از دیوانیان ایالت آذربایجان، در تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز عمارت این باغ را «قصر خلعت پوشان» ثبت کرده و راجع به موقعیت آن نوشته است:

آبادانی شهر تبریز از جانب شرق متصل است به قریه بارنج. آن روستا را نیز با قصر خلعت پوشان فاصله‌ای نیست و آنجای به روستای کرگیج و آن به ده نعمت آباد و کندرود و [...] چسبیده، که تا به شهر بند شش فرسنگ به راه راست مسافت است.<sup>۲</sup>

یکی از معروف‌ترین باغهای دارالسلطنه تبریز در دوره قاجاریان باغ خلعت پوشان است. این باغ در آن دوره، که تبریز شهر ولی‌عهدنشین ایران بود، اهمیت بسیار داشت؛ چنان‌که یکی از مراسم مهم درباری در آن برگزار می‌شد: خلعت اعطایی شاه قاجار را در این مکان طی مراسمی خاص بر دوش رجالی می‌انداختند که دربار برگزیده بود.

در میان این باغ استخری بزرگ بود که کوشک در وسط آن قرار می‌گرفت. متأسفانه امروزه این استخر از میان رفته و محوطه این باغ به کلی دگرگون شده و فقط کوشک آن به‌جا مانده است، که از آن نیز چنان‌که باید حفاظت نمی‌شود.



ت ۱. نمای عمومی از باغ و عمارت کوشک، دید از تپه‌های جنوبی به سمت شمال، تابستان ۱۳۸۲. حریم منظر باغ با ساخت وسازه‌های جدید محدود شده است. عکس از محمدباقر کبیرصابر

روزگار، خلعت اهدایی شاه عطیه‌ای مهم شناخته می‌شد و اگر دریافت‌کننده خلعت در جایی جز پایتخت می‌زیست، برای دریافت خلعت به پیشواز آن به بیرون از شهر می‌رفت. به همین منظور، در بیرون برخی از شهرهای مهم عمارتی پرشکوه بنا می‌شد. در این زمینه از متون تاریخی اطلاعات بسیاری به دست می‌آید؛ مثلاً تاورنیه در سفرنامه‌اش می‌نویسد:

و عموماً شاه اغلب اوقات برای حکام ولایات به علامت مرحمت و التفات خلعت می‌فرستد [...] خلعت عبارت از یک دست لباس فاخر قیمتی است که معمولاً پارچه زربفت می‌باشد. خلعت برای حکام موجب افتخار و مزید قدرت و احترام است. همین که خبر آمدن خلعت به خان می‌رسد، با تمام عمال حکومتی و اعیان و اشراف شهر و ساز و نقاره به استقبال خلعت می‌رود؛ و معمولاً در یکی- دو فرسنگی هر شهر، خلعت‌پوشانی بنا شده است که حاکم با جمعیت به آنجا رفته فرستاده شاه هم با خلعت به آنجا می‌آید.<sup>۴</sup>

در سفرنامه ادوارد پولاک نیز توضیحات مفصلی در این زمینه آمده است.<sup>۵</sup>

بنا بر این، در کنار برخی از شهرها بناهایی به نام خلعت‌پوشان می‌ساختند که مکانی برای ارج نهادن به لطف شاه و گزاردن مراسم اعطای خلعت بود.

خلعت‌پوشان، بنایی مخصوص پذیرایی در خارج از شهرهای بزرگ، که حاکم شهر خلعت مرحمتی پادشاه را با تشریفات مخصوصی در آنجا می‌پوشید و به شهر می‌آمد.<sup>۶</sup>

این باغ در کنار جاده‌ای بود که دارالسلطنه تبریز را به دارالحکومه تهران متصل می‌کرد. این جاده، که بخشی از جاده ابریشم بود، در طی قرون معبری مهم به حساب می‌آمد و همواره قافله‌های بسیاری در آن در تردد بودند. کاروانهایی که از جانب مرکز ایران و از طریق این جاده به سمت تبریز در حرکت بودند پیش از رسیدن به شهر از کنار باغ خلعت‌پوشان می‌گذشتند.

امروز نیز این باغ در بیرون از محدوده شهر، در منطقه کرگج، در نزدیکی روستای باسنج و در کنار جاده قدیم تبریز- تهران واقع شده است.<sup>۲</sup>

## ۱-۲. عوارض طبیعی

مهم‌ترین عوارض مؤثر در چشم‌اندازهای طبیعی باغ در مقیاس منطقه ناهمواریهای طبیعی زمین در جانب شمال و جنوب است؛ به خصوص تپه‌های نسبتاً بلند در جنوب باغ، که در ترکیب‌بندی چشم‌اندازهای طبیعی باغ دخیل است. متأسفانه در نیم‌قرن اخیر هنجار محیطی باغ به شدت مخدوش شده و چشم‌اندازهای طبیعی پیشین، که جزئی از حریم منظر باغ بود، آسیب دیده است.

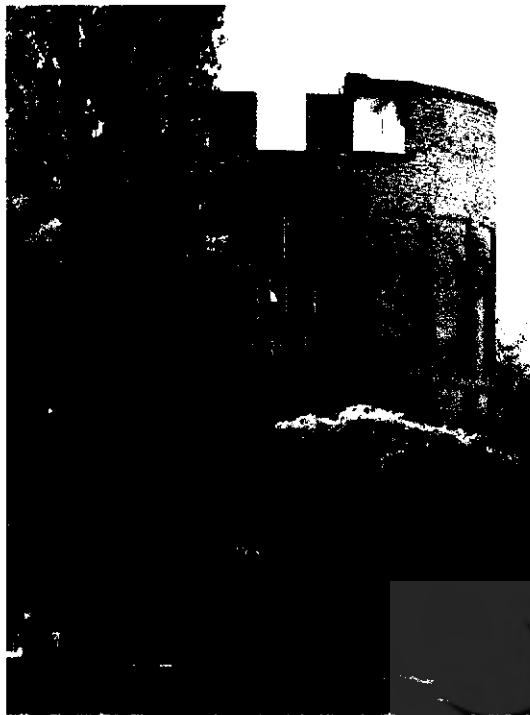
از توأمندیهای محیط طبیعی در پیرامون باغ باید از رودی یاد کرد که از شمال باغ می‌گذرد و به سمت شهر می‌رود. به بیانی دیگر، پدیدآورندگان اولیه باغ آن مکانی برای آن انتخاب کرده بودند که جریان رود علاوه بر اثرگذاری در بقا و حیات باغ، هوا را نیز تلطیف کند. بده آب این رود در فصول مختلف سال و بسته به بهره‌برداریهای بالادست متغیر است.

آب فراوان، خاک حاصل‌خیز، اقلیم مساعد برای کشاورزی، و درختان خودرو در اراضی اطراف قابلیت‌های محیطی و مواهب طبیعی چشم‌گیری بود که این مکان را برای ایجاد باغ مستعد ساخته بود. علاوه بر اینها، جاده تاریخی تبریز- تهران از جانب دیگر این محوطه عبور می‌کرد.

## ۲. تاریخ

### ۱-۲. مراسم خلعت‌پوشان

یکی از رسوم کهن درباری در ایران اعطای خلعت و صله شاهان به کسانی بود که در نواحی مختلف کشور شایسته تفقد شناخته می‌شدند. در عرف اجتماعی آن



## ۲-۲. قدمت و زمان احداث

در مورد تاریخ دقیق احداث باغ خلعت پوشان تبریز و عمارت کوشک آن نمی‌توان اظهار نظر قطعی و مستند کرد. نظرهای متفاوتی که دربارهٔ زمان احداث این باغ بیان شده است، مانند تعلق داشتن آن به دورهٔ صفویه یا زندیه، مستند به هیچ سند و مدرکی نیست. مرحوم عبدالعلی کارنگ، که مطالعات ارزشمندی دربارهٔ بناهای تاریخی تبریز به انجام رسانده، در خصوص این باغ نوشته است:

در ساحل جنوبی مهران رود و در وسط مزرعهٔ سرسبزی که امروز مزرعهٔ فونته دانشکدهٔ کشاورزی محسوب می‌شود، برج آجری منشوری شکل بلندی از دور نظر هر عابری را به سوی خود جلب می‌کند. این برج را برج خلعت پوشان می‌نامند. ظاهراً در اواخر دوران صفویه بنا شده است.<sup>۶</sup>

پیداست که این انتساب بر مبنای حدس و گمان است. در سالهای اخیر نیز برخی از محققان عمارت خلعت پوشان را متعلق به دورهٔ زندیه معرفی کرده‌اند؛ لیکن هیچ‌کدام سندی بر این انتساب به دست نداده‌اند.

برای تشخیص زمان احداث این مجموعه باید در منابع تاریخی و نیز کالبد کهن باغ تأمل کرد. مطالعات کتابخانه‌ای و بررسیهای میدانی نشان می‌دهد که عمارت کوشک فعلی قدمتی کمتر از خود باغ دارد. بر اساس شواهد و قرائنی که از مطالعهٔ بناهای تاریخی منطقه به دست می‌آید، کوشک فعلی کهن‌تر از دورهٔ قاجاریه نیست؛ زیرا بستر کوشک

در طی تاریخ در معرض زلزله‌های ویرانگر قرار داشته است. آخرین زلزلهٔ مهیب منطقه، در سال ۱۹۳۱ق، همهٔ آثار معماری و شهرسازی تبریز را از بنیاد ویران کرد و بیشتر آثار تاریخی‌ای که در تبریز مانده به پس از آن زلزله و دورهٔ قاجاریه تعلق دارد. کوشک خلعت پوشان نیز در زمرهٔ این بناهاست و طرح و تزیین و حالت قاجاری بنا نیز این انتساب را تأیید می‌کند. شاید باغ کهن کوشکی دیگر داشته که از میان رفته و بعدها، در اوایل دورهٔ قاجاریه، این کوشک را بر جای آن ساخته‌اند.

## ۲-۳. تاریخچهٔ عملکردی

در مورد پیشینهٔ عملکردی مجموعهٔ خلعت پوشان تبریز، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد در دورهٔ قاجاریه به کرات از عمارت این باغ استفاده می‌شده و حاکمان قاجاری منطقه به این بنا توجهی ویژه داشتند. از ویژگیهای عمدهٔ این باغ تعلق داشتن آن به دربار قاجار بود که به باغ تشخیصی ویژه می‌بخشید. از دیگر خصوصیات یگانهٔ این باغ عملکرد آن بود. در این باغ، از هدیه‌ها و خلعت‌های مرحمتی سلطان قاجار، که از دارالحکومهٔ تهران برای صاحب‌منصبان یا مقربان درگاه در دارالسلطنهٔ تبریز می‌فرستادند، استقبال می‌کردند و آنها را طی مراسمی به صاحبانشان می‌دادند.

ت. ۲. کوشک، جبههٔ غربی. تابستان ۱۳۸۳. عکس از محمدباقر کبیرصابر

ت. ۳. کوشک، جبههٔ شرقی. تابستان ۱۳۸۳. عکس از محمدباقر کبیرصابر

خوش بختانه مدارک و کتابهای بسیاری از دوره قاجاریه در دست است که در آنها درباره خلعت پوشان تبریز اطلاعات سودمندی آمده است. در این مقاله به اختصار از مطالب برخی از منابع تاریخی که به فهم موضوع باری می‌رساند یاد می‌کنیم. یکی از این منابع *سفرنامه بارون فیودورکورف* است. فیودورکورف، دیپلمات روسی، که در آخرین روزهای حیات فتح‌علی‌شاه در تبریز بود و در این شهر به توسط گراف سیمونیتس، وزیر مختار روس، به حضور محمد میرزای ولیعهد رسید، در سفرنامه‌اش خود درباره عمارت این باغ چنین می‌نویسد:

در هفت ورستای تبریز، در جاده‌ای که به تهران می‌رود، ساختمان هشت‌گوشه کوچکی واقع است که سرپرده‌ای است برای خوش‌گذرانیهای شاه و ولیعهد. نام این سرپرده خلعت پوشان است. بدین جهت خلعت پوشانش می‌گویند که شهزادگانی که به افتخار دریافت خلعت از دست اعلی‌حضرت جهان‌پناه نایل می‌آیند باید به آنجا بیایند تا خلعت را بر دوش عظمت‌یافته خویش از مراحم شاه ببینند. در چنین مراسم با عظمتی، تشریفات خاصی انجام می‌پذیرد و شاهزاده‌ای که مورد عنایت واقع می‌شود در معیت عده بسیاری که او را همراهی می‌کنند به شهر بازمی‌گردد.

سرپرده خلعت پوشان فوق‌العاده زیباست. این سرپرده در وسط استخری بزرگ و پر از آب زلال، که اطرافش را درختان پربرگ بلندی احاطه کرده است، قرار دارد. در شش ورستای آن ساختمان، در همان جاده‌ای که به تهران می‌رود، در کنار نهری کوچک و خروشان، دهی قرار دارد به نام *باسنج*.<sup>۸</sup>

بارون فیودورکورف در اواخر سفر، در مسیر بازگشت از تهران به روسیه، مجدداً به تبریز رسید و مدتی در این شهر اقامت کرد. پیش از آنکه به موطن خود بازگردد، در عمارت خلعت پوشان تبریز شاهد انتصاب ناصرالدین میرزا به ولایت‌عهدی محمدشاه قاجار بود.

چند روزی پس از ورود به تبریز، انتصاب ناصرالدین میرزا به ولایت‌عهدی را در آنجا جشن گرفتند. برای انجام این مراسم، شاهزاده چهارساله را به خلعت پوشان، یعنی به آلاچیق [کوشک] بیرون شهری تبریز، که خواننده محترم با آن آشناست، بردند. در روز بامیمنت و ساعت مبارکی که از طرف منجمین طالع‌بین تعیین شده بود، ولیعهد خردسال

می‌بایست با جاه و جلال وارد پایتخت آذربایجان گردد.

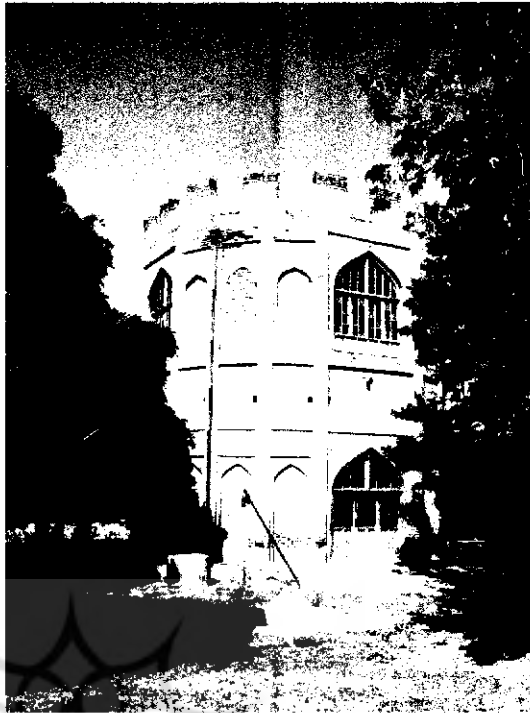
خلعت پوشان از جمعیت انبوه محترمین و حضور مردم کنجکاو می‌جوشید. در کنار آلاچیق [کوشک] چند چادر زده بودند. یکی از آن چادرها را به طرزی بسیار مجلل برای ولیعهد آراسته بودند. در آنجا فرمان اعلی‌حضرت شاه حاکی از انتصاب پسر ارشدش ناصرالدین میرزا به ولایت‌عهدی با صدایی بلند قرائت گردید. [...] در خلال قرائت این فرامین، شلیک توپخانه و زنبورکها بلند بود. هنگامی که جامه‌اهدایی پدر بزرگوارش را بر دوش شاهزاده انداختند، در همان حال فرمان ولایت‌عهدی او را در آستر کلاه پوست بره‌ای که بر سر داشت، قرار دادند. [...] پس از پایان این مراسم مجلل، که در آن تمام درباریان تبریز و غایندگان تجار حضور داشتند، والا حضرت به تبریز تشریف فرما شدند. [...] در عرض راه، احشام بسیاری را، بر طبق مراسم، به افتخار ولیعهد جدید قربانی کردند.<sup>۹</sup>

گزارش تاریخی ارزشمند دیگر راجع به عمارت خلعت پوشان تبریز خاطرات کنت دوسرسی<sup>(۳)</sup> است:

[...] رود (باستیک‌جای) [باسنج‌جای] جریان دارد و دره سرسبزی را مشروب می‌نماید. در میان دره، کاخی بر پاست که به دستور عباس میرزا برای انجام تشریفات مربوط به اهداء خلعتها ساخته شده است. می‌دانیم که ایرانه‌ا اهمیت زیادی برای این نوع تشریفات قابل‌اند؛ چون برای‌شان به منزله نشانه‌ای از تفقد شاهانه است. در آنجا، برگزیدگان حضور می‌یافتند و خلعت را دریافت می‌داشتند و عباس میرزا آن کاخ را به صورت مجللی تزئین کرده بود. ما برای دیدن داخل این بنا توقف نکردیم؛ زیرا زینتهای تمام خانه‌های ایران به هم شباهت دارند. [...] به‌علاوه، امروزه این کاخ به صورت خرابه‌ای است.<sup>۱۰</sup>

یکی دیگر از منابع ارزشمند تاریخی برای شناخت عمارت خلعت پوشان تبریز *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان* است. شرحی که شاه قاجار از این بنا و مراسم برگزارشده در آن نوشته جالب توجه است؛ زیرا مراسمی را شرح می‌دهد که در آن، به جای هدایای شاه، از خود شاه در این بنا استقبال کرده‌اند.

امروز باید به تبریز برویم. [...] یک فرسخی سرازیر شدیم، رسیدیم به گودی‌ئی. نگاه کردیم، دیدیم خلعت پوشان



است؛ چمن دارد، درخت دارد، سر راه که پیاده شدیم،  
نقعه‌الملک کارگزار آذربایجان را دیدیم با اصحاب و  
اتباعش صف کشیده ایستاده است. [...] دیگر اشخاصی  
که آنجا حاضر بودند، از هر نوع و هر قبیل که نمی‌توان  
همه آنها را نوشت. خلاصه رفتیم که برویم به عمارت  
خلعت پوشان. عمارت همان عمارت است که پیش دیده  
بودیم؛ مرتبه‌ای بالایی دارد و پایینی دارد و دور تا دور  
عمارت آب است و پلی روی آب به عمارت بسته شده.  
از پله بالا رفتیم؛ راه پله تنگی پیچ‌پیچی داشت. همین  
که بالا رفتیم، سرم گیج خورد و افتادم و غش کردم.  
امین‌السلطان و سایرین هم که آمدند، به همین حالت  
غش کردند و سرشان گیج رفت و دلشان بهم خورد و  
مدتی طول کشید تا حال آمدیم. این بالاخانه را فرش  
کرده و ساخته بودند که قونسوها را اینجا به حضور  
بیاورند. من دیدم بهجه افندی [(قونسول عثمانی)]، با  
آن تنه گنده، محال است بتواند از این راه پله بالا بیاید؛  
گفتم فرشها را برچیدند، اوطاق پایین انداختند و از  
بالا [به طبقه] پایین آمدیم. عزیزالسلطان هم آمده بود،  
شمال عمارت لب آب آفتاب‌گردان زده نهار می‌خورد.  
رودخانه کوچکی هم در پشت این عمارت می‌گذرد.  
همه جهة سه سنگ آب از او می‌گذرد. نهار را همانجا  
خوردیم. خبر کرده بودند که شش ساعت به غروب  
مانده قونسوها به حضور خواهند رسید. تغییر لباس  
دادیم و جقه سر گذاشتیم و امین‌السلطان و امیرنظام

هم حاضر شدند. قونسوها آمدند [...]، همین که اینها  
رفتند، کشیش آمد. نطقش را به زبان ارمنی بیان کرد.  
ترکی اسلامی تکلم می‌کرد. او هم رفت. بعد بیرون  
آمدیم. عکاس اسباب عکس حاضر کرده با ولی‌عهد و  
امین‌السلطان ایستاده یک عکس انداختیم.<sup>۱۱</sup>

یادداشتی که ناصرالدین‌شاه از این باغ به جای  
گذاشته هم اطلاعات خوبی از سامان فضایی باغ و  
عمارت میان‌آبی آن در دوره قاجاریه به ما می‌دهد و  
هم آدابی را شرح می‌دهد که در هنگام استفاده از این بنا  
معمول بوده است.

هنوز مطالعه جامعی درباره عملکرد تاریخی این  
مجموعه صورت نگرفته است. همچنین دقیقاً معلوم نیست  
که این بنا از چه موقعی کارکرد اصلی خود را از دست داده  
است. بعضی معتقدند که آخرین مراسم اعطای خلعت در  
این مکان در سال ۱۳۳۰ق، در زمان حکمرانی صمدخان  
مراغه‌ای بوده است. اثبات یا رد این ادعا نیازمند تحقیق  
بیشتر است.

### ۳. کوشک

#### ۳-۱. هنجار اولیه

کوشک خلعت‌پوشان تبریز ترکیب حجمی‌ای خوش‌تناسب  
و تزئیناتی فاخر و نفیس دارد. شکل کلی قاعده بنا  
هشت‌گوش است؛ اما چهار ضلع از هشت ضلع آن  
هرکدام به سه ضلع کوچک‌تر تقسیم شده است. این  
عمارت بلند آجرئ منفرد و منشور شکل و برون‌گراست؛  
دو طبقه مسقف و یک طبقه مهتابی (بدون سقف) دارد.  
اتلاق عنوان «برج» به این کوشک در برخی از متون  
چند دهه اخیر درست نمی‌نماید؛ و بنا از قبیل کوشکهای  
میان باغ است.

امروزه ترکیب کوشک با وضع اولیه‌اش تفاوت  
بسیاری کرده است. بی‌توجهی به این بنا باعث شده است  
که بسیاری از ظرافتهای یگانه آن از میان برود. پیش‌تر  
دانستیم که از ویژگیهای کوشک خلعت‌پوشان این بود که  
مانند کوشک باغ شاه‌گلی، در میان استخری واقع شده بود.  
در گزارشهای بارون فیودورکورف<sup>۱۲</sup> و ناصرالدین‌شاه<sup>۱۳</sup>  
از این ویژگی یاد شده است. تردیدی نیست که کیفیت  
معماری این کوشک میان‌آبی، که جزیره‌وار در میان  
استخر باغ واقع شده بود، با وضع کنونی بسیار متفاوت

بوده است. در وضع فعلی، به علت دگرگونیهای بسیاری که در هنجار پیشین باغ به وجود آمده، استخر آن نیز با خاک پر و مدفون شده است. برای تقرب به وضع اصیل بنا و کیفیت معماری آن، باید آن را با استخر و انعکاس بنا در آب تصور کرد. گمانه‌زنیهای باستان‌شناسی می‌تواند در تعیین حدود این استخر مفید باشد.

### ۳-۲. وضع موجود

در حدود سال ۱۳۴۵ش، دانشگاه تبریز این باغ را خرید و با عنوان ایستگاه تحقیقاتی خلعت‌پوشان در اختیار دانشکده کشاورزی قرار داد. در حال حاضر از این باغ برای انواع فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مرتبط با علوم کشاورزی استفاده می‌شود. دانشگاه این عمارت را یک بار پیش از پیروزی انقلاب و یک بار بعد از آن تعمیر کرده است؛ لکن این بنا به لحاظ قدمت و نفاست و ارزشهای یگانه‌اش توجه بیشتری می‌طلبد.

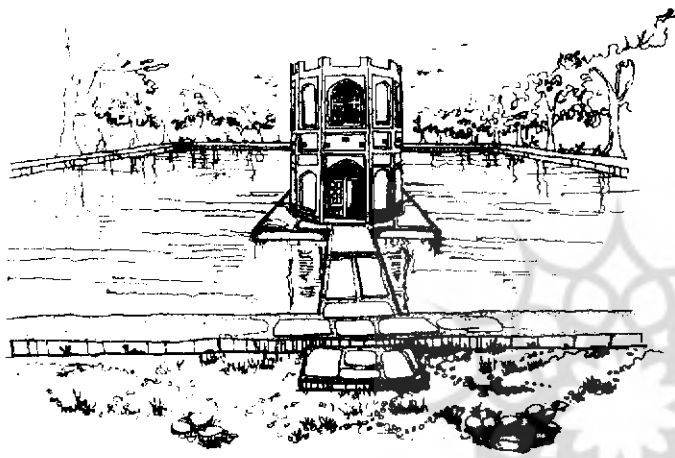
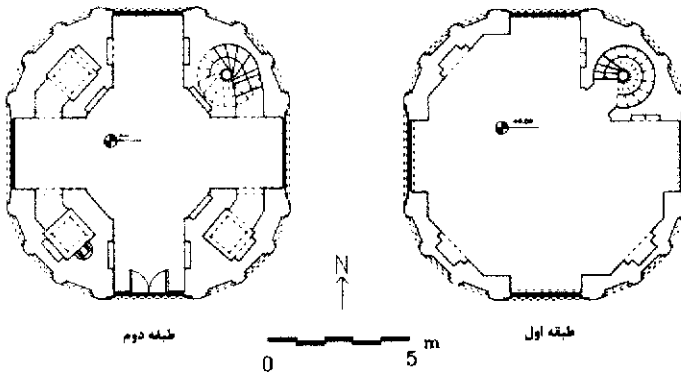
مرحوم عبدالعلی کارنگ در آثار باستانی آذربایجان وضع این عمارت را در اوایل دهه ۱۳۵۰ش چنین تصویر کرده است:

از این برج، که یادآور پاره‌ای از سنن و آداب باستانی و نمونهای از شیوه معماری اصیل ایرانی است، اکنون به جای انبار علوفه استفاده می‌شود. اگر به صورت موزه کوچکی درآید، بی‌شک تماشای آن و بازدید از تأسیسات جدید کشاورزی و برخورداری از هوای سالم آن محیط برای سیاحان و جهانگردان مفید خواهد بود.<sup>۱۴</sup>

امروز نیز این عمارت، که روزگاری یکی از قصرهای قاجاری در پیرامون شهر بود،<sup>۱۵</sup> همچنان وضعی نامطلوب و نگران‌کننده دارد.

### پایان سخن

باغ و عمارت خلعت‌پوشان تبریز، علی‌رغم ویژگیهای یگانه‌اش، متأسفانه در غبار فراموشی و بی‌توجهی فرو رفته است. این باغ، که شاهدی ساکت بر بسیاری از رخدادهای تاریخی است، آموزه‌های بسیاری را برای عبرت در ضمیر خود دارد. افول این مجموعه تقریباً از ابتدای سده حاضر شروع شد. در سالهای پایانی حکومت قاجاریه، که گرد اغتشاش و ناامنی بر سیمای مملکت



پاشیده شد، اعتبار و اهمیت پیشین دارالسلطنه تبریز نیز رو به افول نهاد؛ زیرا عواملی که رونق پیشین را پدید آورده بود دیگر در کار نبود. با تضعیف فزاینده حکومت قاجار، تشریفات درباری آن در تبریز نیز، که روزگاری با آداب و تجملات ویژه‌ای برپا می‌شد، رنگ باخت و به تدریج جایگاه خود را از دست داد. با تغییر اوضاع سیاسی کشور و روی کار آمدن سلسله پهلوی، سنتها و رسوم درباری نیز تغییر یافت؛ در نتیجه، از توجه به این بنا کاسته شد. در سالهای اخیر نیز از حمایت و حفاظتی که این مجموعه تاریخی نیاز دارد دریغ شده است. □

ت ۵ (بالا) پلان  
طبقه‌های اول و دوم  
کوشک، ترسیم از سینه  
صدری کیا

ت ۶ (پایین) بازنگاری  
طرز استقرار کوشک  
در میان استخر باغ بر  
اساس اطلاعات مکتوب  
تاریخی، طرح از سینه  
صدری کیا، تابستان  
۱۳۸۷

## کتاب‌نامه

۱۰. کنت دوسرسی، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ (سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی)*، ص ۱۱۹.
  ۱۱. ناصرالدین‌شاه قاجار، همان، ص ۸۷-۸۹.
  ۱۲. بارون فیودورکوف، همان، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.
  ۱۳. ناصرالدین‌شاه قاجار، همان، ص ۸۸.
  ۱۴. کارنگ، همان، *پانوشت* ص ۶۳۴.
  ۱۵. نادر میرزای قاجار در *کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، این عمارت را «قصر خلعت پوشان» ذکر کرده است. — نادر میرزا، همان، ص ۸۲.
  - پولاک، یاکوب ادوارد. *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
  - تاورنیه. *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، سنایی و تأیید، ۱۳۶۳.
  - ریاحی، محمدامین (و.). *سفارتنامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)*، تهران، توس، ۱۳۶۸.
  - صدری‌کیا، سمیه. «یادی از یک باغ فراموش‌شده ایرانی باغ خلعت‌پوشان تبریز»، در: *نخستین همایش باغ ایرانی*، تهران، موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۳.
  - فیودورکوف، بارون. *سفرنامه بارون فیودورکوف*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز، ۱۳۷۲.
  - کارنگ، عبدالعلی. *آثار باستانی آذربایجان — آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و انتشارات راستی نو، ۱۳۷۴.
  - کنت دوسرسی. *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ (سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی)*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
  - نادر میرزا. *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، ستوده، ۱۳۷۳.
  - ناصرالدین‌شاه قاجار. *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان*، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران با همکاری رسا، ۱۳۷۱.
- پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی-پژوهشی علوم انسانی
- ### پی‌نوشتها:
۱. نک: ناصرالدین‌شاه قاجار، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان*، ص ۸۹.
  ۲. نادر میرزا، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، ص ۸۲.
  ۳. مرحوم عبدالعلی کارنگ در *آثار باستانی آذربایجان — آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز*، در ضمن بحث درباره «آبادهای اطراف تبریز که آثار تاریخی دارند» (ص ۴۶۹)، خلعت پوشان را معرفی کرده است.
  ۴. تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ص ۶۱۸ و ۶۱۹.
  ۵. ادوارد پولاک، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ص ۲۵۴.
  ۶. ریاحی (و.)، *سفارتنامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)*، پانوشت ص ۲۵۴.
  ۷. عبدالعلی کارنگ، *آثار باستانی آذربایجان — آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز*، ص ۶۳۴ و ۶۳۲.
  ۸. بارون فیودورکوف، *سفرنامه بارون فیودورکوف*، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.
  ۹. همان، ص ۲۵۹ الی ۲۶۱.